

راوی باسابقه کاروان‌های راهیان نور در گفت‌وگو با «جوان»:

نسل کنونی دفاع مقدس را ماجرای تمام شده نمی‌داند



محمودی در حال روایتگری

کشورهایی چون عراق و سوریه، جوان می‌خواهد علاوه بر گذشته، از دشمنی بداند که خصوصتش را یابانی نیست. داعش یک وجه دشمنی با ایران است که چیزی فراتر از یک گروه تروریستی را شامل می‌شود. همان دشمنی که ما را تحت فشار اقتصادی قرار داده، هم‌اوداعش را حمایت می‌کند. بنابراین نسل حاضر دیگر به جنگ به مثابه یک امر تمام شده و تاریخی نگاه نمی‌کند.

محمودی که خود در دوران جنگ در مناطقی چون آبادان و خرمشهر حضور داشت با بیان خاطرهای ادامه می‌دهد: «پادم است سال ۷۴ که کاروانی مردمی را برای بازدید از مناطق عملیاتی

دفاع مقدس آوردیم، بیشتر زائران تهاجم فرهنگی را متوجه نوع پوشش و مسائلی از این دست می‌دانستند. اگر قرار بود سوالاتی غیر از وقایع جنگ پرسیده شود، حول محور همین مسائل بود، اما حالا همگی به خوبی می‌دانیم که دشمنان ریشه نظام را به لحاظ ایدئولوژی مورد هدف قرار داده‌اند. لذا جوانی که پرسشگری دارد، نگاه عمیقی به مسائل و دشمن پیش‌رو دارد و سوالات پیچیده‌تری می‌پرسد».

این روزمنده دفاع مقدس در پاسخ به این سؤال که راوی باید چگونه خود را آماده پاسخگویی به زائران در شرایط کنونی بکند، می‌گوید: «نظر من راوی

راوی راهیان نور باید به‌روز باشد. صرف گفتن از وقایع گذشته کافی نیست، بلکه در شرایط کنونی مثل سم است و اثر منفی می‌گذارد. خصوصاً دانشجوها پرسشگران خوبی هستند و به این راحتی‌ها مجاب نمی‌شوند. همین چندروز پیش بحث در خصوص چرایی ادامه جنگ بعد از فتح خرمشهر زمان زیادی گرفت تا چند نفر از عزیزان دانشجو توضیحاتی را ارائه بدهم. به این راحتی‌ها نمی‌پذیرفتند و خواهان صحبت بر اساس ادله و سند و مدرک بودند. این روحیه پرسشگری تحسین‌برانگیز است و البته کار ما سخت‌تر می‌کند».

محمودی که سابقه حضور در جبهه مقاومت از شش‌های انقلاب اسلامی است.»

آماده خدمت به اسلام و کشورش بود. عاشق امام خاتمه‌ای. خوب از کسی که اینگونه بود جز این هم انتظار نمی‌رفت. میثم وقتی حرم را در خطر دید بی‌درنگ تصمیم گرفت راهی شود و از بهترین‌های خود برای اسلام و دین هزینته کند. بهترین چیزی هم که می‌توانست در راه عقیده‌بنی هاشم هبند کند، جانش بود. همین هم از دستش بر می‌آمد.

مداخله حرم
اولین مرتبه‌ای که آمد و از مدافع حرم شدن برای من گفت، راستش را بخواهید لذت بردم. آنقدری که پسر ام احساس وظیفه کرده بود و عزمش را جزم کرده و از این فرصت پیش‌آمده کمال استفاده را می‌کرد، خوشحال بودم. آموزش‌های ابتدایی را دیده بود اما آموزش‌های تکمیلی را کسه دید با مدرش صحبت کرد. ایشان هم راضی شدند. باید می‌رفت. اگر میثم و میثم‌ها کام در این مسیر نمی‌گذاشتند امروز ایران همچون دیزو عراق و سوریه شده بود. داغ سخت است. همه اینها هست اما مگر ما از امام حسین(ع) بالاتر بودیم؟ ایشان با همه اهل و عیالش به صحرای کربلا رفت. الحمدلله به برکت خون همین شهدای مدافع حرم بود که دشمنان دور و بر کشورمان پیدایشان نمی‌شود.

زیارت شهدا
کدم میثم پر بود از عکس شهدای دفاع مقدس؛ باکری، همت و... برای زیارت شهدا به بهشت زهرا و قطعه شهدای رفت. به شهدای کنار می و آوینی هم ارادت داشت. آنقدر با شهدا نشست و برخواست کرد که خودش هم به جرگه شهدا پیوست. در آن دوران من به عنوان نیروی بسیجی به جبهه اعزام و به افتخار جانبازی نائل شدم ولی میثم گوی سبقت را در شهدات از من ربود.

جبهه مقاومت
طبیعتاً تا توجه به عاقله‌ای که در وجودش بود، سراغ آن خاطرات و روایات آن روزها را می‌گرفت. من هم آنچه دیده بودم برایش می‌گفتم. آن زمان اوضاع بالامروز خیلی فرق داشت. تجهیزات و امکانات و تسلیحات نظامی قابل مقایسه نیست. اما همین حضور در جبهه مقاومت خودش شجاعت زیادی می‌طلبد.

مادرانه

به یاد تمام مادران مقاوم ایران زمین
پایانی برای دلنگی‌های مادرانه

احمد محمد تبریزی
سال ۹۷ که آخرین روزهایش را سپری می‌کنیم لحظات ماندگار زیادی دارد که در گوشه ذهنمان نقش بسته است. لحظاتی که گاهی تلخ بودند، گوشه چشممان را نمناک کردند و لحظاتی که گاهی شیرین بودند و لیخند را روی لبانمان نشانده‌اند. در میان تمام خبرها در گذشت مادران شهید پیش از هر خبر دیگری ناراحتمان کرد و در خاطرمان ماند. هر مادر شهیدی که امسال در گذشت بخشی از حافظه تاریخی هشت سال جنگ تحمیلی را با خود برد. فقط خدا می‌داند درون سینه هر مادری چه رازهای نگفته‌ای نهفته بود. مادران را بابت تمام مادرانگی‌ها و مهربانی‌هایشان دوست داریم. انسان‌هایی که کم از فرشته‌هایی آسمانی‌اند. بزرگ‌ترین دردها شاید شانه‌هایشان را خم کند ولی هیچ‌گاه توان نماند که در نشان را پیدا نمی‌کند. آنها در سخت‌ترین شرایط با مهربانی ذاتی‌شان روحیه عجیبی دارند و با مهربان‌گره‌گشای هر سختی‌ای می‌شوند. امسال چندین و چند مادر شهید فراتر عزیزشان را تاب نیاوردند و آسمانی شدند. در این میان نام سه مادر شهید که الفبای صبری و استقامت را به ما آموختند بیشتر

۲۵ سال چشم‌انتظاری
مادر شهید مصطفی رذانی پور ۳۵ سال چشم‌انتظار بازگشت مصطفی‌اش ماند. آنقدر که مصطفی نیامد و در آخر مادر به دیدار پسرش شتافت. او پسر دیگرش را به نام رسول را هم در جنگ از دست داده بود. هنگامی که مصطفی خبر شهادت رسولش را آورد، بغضی سنگین در گلویش نشست و نلی خواست مصطفی اشک‌هایش را ببیند. نگاهی به قد و بالای



بانو بهجت افراز، مصطفی به ام‌الاسرا را از یادگان

مصطفی کرد و در دلش خدا را شکر کرد که مصطفی را دارد. نمی‌دانست مصطفی هم خیلی زود او را ترک خواهد کرد و ۳۵ سال چشم‌انتظارش نکه می‌داد. مصطفی اکثراً شب‌ها به خانه می‌آمد و برای همین هم مادر سال‌ها در خانه را باز می‌آمد و مصطفی پشت در نماند. مادر شهید در دیدار با رهبر معظم انقلاب از ایشان درخواست کرد: «قتی از دنیا رفتم، جنازه‌ام را در قبر اقا مصطفی دفن کنید».

در گذشت ام‌الاسرا «بهجت افراز» دیگر خبر ناراحت‌کننده امسال بود. مرحوم ابوترابی به واسطه کمک‌رسانی و کارهایی که خانم افراز برای جبهه و به‌ویژه آزادگان انجام داد لقب «ام‌الاسرا» را به ایشان داد. این بانوی خستگی‌ناپذیر از همان نخستین روزهای جنگ

کار کمک‌رسانی به رزمندگان اسلام در جبهه‌ها و انجام داد و وقتی در سال ۱۳۶۳ در اداره امور اسرا و معوقین مشغول به خدمت شد بدون وقفه پیگیر کار اسرا و خانواده‌هایشان بود. ایشان ۱۸ سال به صورت مداوم زندگی‌اش را وقف آزادگان کرد. تا آخرین سربازان خمینی هم به میهن بازگردند. بانو افراز سخت‌ترین لحظات کارش را شش‌هنگام خیر در گذشت آزادگان در اسارت می‌دانست و از آن سخت‌تر انتقال خبر شهادت فرزند به خانواده چشم‌انتظارش بود. او سال‌ها پل ارتباطی آزادگان و خانواده‌هایشان بود. بارفتن بانو افراز آزادگان مدتی مهربان‌را از دست دادند. مادری که هیچ‌گاه مهربانی‌اش را فراموش نمی‌کنند.

مادرانه

مادران را بابت تمام مادرانگی‌ها و مهربانی‌هایشان د دوست داریم. انسان‌هایی که کم از فرشته‌هایی آسمانی‌اند. بزرگ‌ترین دردها شاید شانه‌هایشان را تاب نیاوردند و آسمانی شدند. در این میان نام سه مادر شهید که الفبای صبری و استقامت را به ما آموختند بیشتر

اسوه مقاومت
در اوایلین روزهای اسفند ۱۳۹۷، مادر سه شهید والا مقام دفاع مقدس دار فانی را وداع گفتند تا اشک و حسرت برایشان در دل بنشیند. دست دادن بندگان خوب خدا بر دل بنشیند. در گذشت «شهربانو نظری» مادر شهیدان مهدی، عبدالله و محمدصادق مداح خبری بود که کامنار را تلخ کرد. بانویی مقاوم که بافتخار سه جگر گوشه‌اش را تقدیم نظام و انقلاب کرد و روزهای زیادی را با دلنگی‌هایشان گذراند.

مهدی را در همان اولین سال جنگ از دست داد ولی این از دست دادن او را دل‌سرد نکرد. وقتی خبر شهادت عبدالله و محمدصادق را در عملیات کربلا ۵ آوردند، با سربلندی، خدا را شکر گفت و سجده شکر به‌جای آورد.

جدول

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱														
۲														
۳														
۴														
۵														
۶														
۷														
۸														
۹														
۱۰														
۱۱														
۱۲														
۱۳														
۱۴														
۱۵														

۷	۸	۱	۵	۳
۹	۷			۱
۳	۴	۸		۷
۲	۱	۶		
۹	۵	۷		۸
۴	۲	۳		۹
	۲			۵

جدول سو دو کو

ارقام تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۶۱۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	د	و	ا	ت	م	ز	د	م	م	م	م	م	م	م
۲	و	م	ا	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م	م
۳	م	و	ا	د	ا	ر	م	ح	ی	ر	ک	ف	ک	ک
۴	ی	ک	ت	م	ا	ع	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک
۵	ا	ن	ل	ت	م	ا	ن	ل	ت	م	ا	ن	ل	ت
۶	ن	ل	ت	م	ا	ن	ل	ت	م	ا	ن	ل	ت	م
۷	م	و	ا	د	ا	ر	م	ح	ی	ر	ک	ف	ک	ک
۸	ن	ل	ت	م	ا	ن	ل	ت	م	ا	ن	ل	ت	م
۹	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
۱۰	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
۱۱	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
۱۲	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
۱۳	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
۱۴	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
۱۵	ا	ز	ی	ر	ک	ف	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک

از راست به چپ

- ۱- در خواست جبران هتک حرمت- عامل بیماری ■ ۲- اسب چاپار- نقاشی متحرک- راه آب
- ۲- نت بیمار- سنگ پاچه گیر- پیامبر صبور- کمک ■ ۳- کناری- درمندی- حرف خطاب ■ ۵- خودداری از پرداخت وجه برات- مرکز کنترل فنی صدا و تصویر در صدا و سیما- عرصه ورزش مشتریان ■ ۶- در نزد رومیان قدیم الهه ماه و جنگل‌ها بود- قطعی برای سکه- مقابل ابد ■ ۷- اسپانیای عرب- شهری در آذربایجان شرقی- فرمانده بدن
- ۸- وزیر خارجه اسبق آمریکا- امر به آمدن- فیلم نرگس آبیار- تقویت‌کننده زمین کشاورزی ■ ۹- گوشه- مدارهای الکترونیکی ظرفیت- بزرگ‌ترین شاعر ایالت بنگال هند و برنده نوبل ادبی ۱۹۱۳ میلادی ■ ۱۰- نهار- نمونه خوراک- شهری در استان یزد ■ ۱۱- کشوری در همسایگی هیمالیا- درختی که شهر رودبار را آراسته است- ازدواج کردن ■ ۱۲- او- جایزه مقام سوم- جایزه تشویقی ■ ۱۳- سلاح رובה- تارک سر- اسلحه- صابون خیاطی
- ۱۴- قهوه‌خانه فرنگی- نوعی ماهی استخوانی خوراکی- نوعی زمین برای مسابقات تنیس ■ ۱۵- در علوم نظامی به فرایند آشکار سازی نشانه‌های الکترومغناطیسی هدف مورد نظر برای شناسایی عملکرد و موقعیت و مقاصد آن گفته می‌شود- مکانی برای بازپرسی بزکاران

از بالا به پایین

- ۱- کشور ریکیاویک- زمان سنج ورزشی ■ ۲- عقاب سیاه- اندوه و ملال- مجسمه ■ ۳- عمو- از دوران زندگی انسان- علامت مفعول- سنگن بیابان ■ ۴- مخترع زبردتر یابی- مایوس و دمغ- از- حروف صدادار
- ۵- طبقه اول اعداد- استانی در ایران- راه شاعرانه ■ ۶- بیماری سیاه‌خیم- جاسوسخانه آمریکا- نوعی گل یاس
- ۷- تکرار حرفی- نم‌دزین- بیزاری ■ ۸- پلیس فضای مجازی- کشت به امید باران- عددی یک‌رقمی- شهری در آلمان
- ۹- ماده مفید میوه‌ها و خوراکی‌ها- جنگ‌افزار ورزشی- اسم آذری ■ ۱۰- اسلوب و روش- بلا و آریب- حقه‌باز کردن ■ ۱۱- مخترع تلغن- بشر- بقا و ثبات ■ ۱۲- قلیل- سبزی معطر- از آلات موسیقی ■ ۱۳- نفرین کردن- پهلوان- کشتی با لباس- جوی خون ■ ۱۴- از شاهان اشکانی- همسایه لبنان- سر شب ■ ۱۵- محافظ شخصی- مایعی در بین قرنیه و عدسی چشم